

نویسنده : اندریو گوریکو (Andrew Koryko).
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 31-08-2018 ».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جاده و کمربند چین و پاکستان

Pakistan and China's Belt and Road



همکاری اقتصادی چین به پاکستان در پروژه های مرتبط به آن درهسته توسعه آینده پاکستان قرار دارند. اما این کمک ها تا اندازه ای هم محتاطانه است که کشورها گاهی بتوانند خود را از این ابتکار جدا سازند تا بتوانند به سایر شرکا مانند روسیه که از نظر سیاسی تمایل به اشتراک در دهلیز اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) دارد سهم دهند.

مسابقه و مصاف دادن هند :

دهلیز اقتصادی پاکستان و چین (China , Pakistan Economic Corridor) بمثابة ستون فقرات و دربرگیرنده و اتصال دهنده یک چشم انداز بین المللی یک جاده و یک کمربند است که به این ترتیب به صفت یک شاه رگ نظم نوین جهانی چند قطبی میتواند شمرده شود که به هیچ وجه صرف از توسعه آینده پاکستان سخن نمیگوید. این پروژه بزرگ میتواند که در سراسر نیم کره شرقی از طریق رهرهای شعبوی و شاخچه ای مختلف خویش گسترش یا بد که هر کدام از این راه ها به یک و یا چند کشور دیگر جنوب شرقی آسیا متصل میشوند و از ابتدای آغازین خود عبور میکنند و این خود نمیتواند بگونه اغراق آمیز تلقی شود که چطور این دهلیز اقتصادی پاکستان و چین جزء جیو

پولیتیک جهانی است و از سوی هم این یک دلیل خوبی است که اسلام آباد تصمیم گرفت که با **پکن** بمنظور ساخت این سلسله و یا سری از جاده ها ، نیروگاه ها و درسا بر بخش ها سرما به گذاری های ملموس نماید و در مورد **پکن** همکاری کند. آینده پاکستان در هم بافت خوردن پاکستان در اتصال به دهلیز اقتصادی پاکستان و **چین** است و به همین دلیل است که این دومین استراتژی بازار یا بی یا ایجاد یک تغییر راه در سطح بین المللی در قرن بیست و یکم است .

بهر حال موضوع و یا مسله قابل ملاحظه این است که قدرت نرم دهلیز اقتصادی **چین** و پاکستان تقریباً برای خود بخوبی موفقیت آمیز است . چرا که این پروژه بطور جدی با ایده عملکرد پاکستان بعنوان یک میانبر یا بدیل غیر مالاکا (**Malacca** = یک ایالتی از کشور مالیزیا میباشد که داری یک تنگای بنام **Malacca Strait** دارد که در نقشه ذیل مشاهده میشود . **تفصیل از مترجم**) برای دیگر کشورها که در داد و ستد و تجارت با **چین** ارتباط دارند ، پیام واضح و روشن آن در مورد اینچنین است که پاکستان بطور طبیعی از این روابط و یا از این راه حمل و نقل و انتقالات یا معبر ترانزیت به آنچه که میتواند ملیا رد ها دلار در آینده ها بدست خواهد آورد و پول بدست آورده را برای اعمار و زیرساختهای خود سرمایه گذاری خواهد کرد. با اینحال دهلیز اقتصادی **چین** و پاکستان



تنگای مالاکا در مالیزیا

نظر به موقعیت و نظر به ماهیت خود میتواند که کشورهای دیگر به **چین** را از طریق پاکستان وصل کند که با ناخودآگاه اهمیت کشورهای واقع در آسیای جنوبی را برای کارآفرینی بگونه معمول بلند خواهد برد که این کشورها اکنون عمدتاً از نقطه نظر کارایی بی غیر فعال و از اهمیت چندانی برخوردار نیستند . اتصال مستقیم به چین ، بدون شک و شبهه برای بسیاری از کشورها جالب و جذاب است و در عین زمان یک مسولیت سیاسی

برای کسانی است که می‌خواهند روابط بلند مدت را با کشور هند حفظ کنند. آنچه که در این راستا قابل تذکر پنداشته میشود این است که شریک طولانی مدت استراتژیکی نظامی صدساله ایالات متحده و جدیداً (رهبر از عقب) نیابتی، شدیداً مخالف با پروژه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان با در نظر داشت دلایل زیاد پرسروصدا و قابل بحث عامه و عمومی است که یکی از این دلایل این است که این دهلیز از مناطق در حال کنونی متعلق به پاکستان عبور میکند که هند وستان بر این مناطق ادعای ملکیت میکند و چنین افاده می‌نماید که این منطقه در ساحه و قلمرو کشمیر تحت منازعه هند و پاکستان قرار دارد. از سوی دیگر هند بوضوح چنین روشنی می‌اندازد که هیچ دولت ایالات متحده برای حفظ روابط مطلوب خود با کشوری که به زودی به یک کشور پرجمعیت جهانی تبدیل میشود باید که شجاعت و یا جرأت تشخیص دهلیز اقتصادی **چین** و پاکستان یا تجارت را در مسیر مورد منازعه هر دو کشور در منطقه ای کنونی متعلق به پاکستان بنام (گلگیت بالتستان = Gilgit Baltistan) داشته باشد. این دیفکتوی (de- facto) درامتیک و یا در واقع این «تحریک آمیزی» و «تهمت زنی» بعضی از کشورها در واقعیت امر همه چیز نیست و یا مناسب به سراسر کشور های واقع در جنوب آسیا نیست که در حال حاضر روابط نزدیک با **چین** نسبت به هندوستان دارند اما این مسئله برای دهلی نو، روسیه، جاپان و آمریکا بمثابة شرکای بزرگ قابل فهم است.

روسیه، جاپان و حساسیت امریکا:

رابطه روسیه زمان شوروی وقت با هند اساساً از زمان پایان دوران جنگ سرد قدیمی تغییر یافته است، و این روابط در حال حاضر بگونه دادوستد و یا عمدتاً معامله گرانه است و وابستگی دهلی با مسکو بصورت غیر رسمی نسبت به گذشته میباشد و آنهم به دلیل اینکه کشورهای ابرو آسیا برای کشورهای جنوب آسیا به ارتباط قراردادهای سلاح های هسته ای و انرژی هسته ای چند میلیارد دلاری در دوران تحریم های غرب علیه روسیه اهمیت ویژه ای داشته است و با در نظر داشت این دلیل عملی و علاقه شخصی، روسیه خود بسیار تمایل به انجام هر کاری دارد که نشان میدهد روسیه به دهلیز اقتصادی **چین** و پاکستان علاقمندی اش را بشکل رسمی مورد تایید قرار میدهد. لازم به تذکر است که رییس جمهور ولادیمیر پوتین در طول سال گذشته به همان اندازه و بشکل واقعینانه عمل کرده است او در مورد نیاز به ترکیب و پتانسیل این پروژه و یا این اورگتنیزیشن (یک جاده و یک کمر بند) سخن گفته است اما تا اینحال هیچ شرکت روسی تا هنوز به دهلیز اقتصادی **چین** و پاکستان ملحق نشده است.

بحران مالی پاکستان، جاده و کمر بند چین را در نقطه ای قرار میدهد:

جاپان منافع متفاوتی دارد و با کشور هند در رشد دهلیز و معبر آسیا افریقا (corridor

(of growth of Asia and Africa) همکاری میکند که این نوع همکاری های دوجانبه بخاطر پرکردن «زیرساخت های نرم افزاری» در نظر گرفته شده است از آنجا که این زیرساخت های نرم افزار توسط یک جاده و یک کمر بند در یک تنگنای گذاشته شده و بیش از حد تمرکز با توجه به «زیرساخت های سخت افزار» شده است و چنین به نظر میرسد که چشم پوشی از آموزش و پرورش، مراقبت ها صحتی و نیاز های دیگری از شرکایی سرتاسری جنوب چین صورت گرفته است چونکه در مورد تامین همچو چیزها در پاکستان سرمایه گذاری صورت نگرفته است و یا اینکه جز اصل سرمایه گذاری در پاکستان ندارد. اما بطور واضح نمی خواهد به طرح رقیب چینی خود کمک کند، بنا بر این جاپان بطور جدی این کشور را بعنوان نیت سرمایه داری قابل قبول در نظر نمیگیرد یعنی که جاپان قصد سرمایه گذاری را در این کشور ندارد و اما امریکا و بویژه دولت امریکا بگونه بی سروصدا مخالف دهلیز اقتصادی چین و پاکستان بوده و در حال تلاش ساختن و یا سازمان دادن یک «جنگ ترکیبی» در توافق و یا در کشاندن هند در این جنگ ترکیبی علیه «چین» و قطع دسترسی مستقیم چین به اقیانوس افریونگال (Afro -Bengal) است. هر چند که شرکت های امریکایی تا هنوز متمایل اند که بیشترین بخش از سرمایه شان را بر حسب ضرورت خویش در این کشور سرمایه گذاری کنند و نیز رجحان میدهند که به اسخدام بهترین متخصصین بین المللی خود بخاطر مدیریت و سازماندهی شرکت های شان دست بکار شوند. اولویت و رجحان و یا تلاش پاکستان در موفقیت بخاطر جلب و جذب بسیاری از سهامداران بمنظور سرمایه گذاری در کشور است و این به مفهوم هرچه خلاقانه ساختن راه حل هایی بازار یابی بغیر از دهلیز اقتصادی چین و پاکستان است و تا جایی هم بخاطر تشویق این سه قدرت با داشتن حساسیت های داغ سیاسی و دعوت آنها به سرمایه گذاری در پاکستان میباشد.

مشارکت اقتصادی روسیه، جاپان و امریکا در این پروژه های غیر سیاسی ممکن است که حتی به نفوذ در سیاست های دولت های مربوطه کمک کند یعنی که بر سیاست های آنها تاثیر گذارد. و اخیرالذکر را که متمایل به بی ثباتی و تخریب کردن شرکت ها و شهروندان خود ندارد میتواند که به شدت تحت تاثیر پوشش این کمپین قرار گیرد پاکستان میخواهد همه چیز را با تمرین یک استراتژی بازار یابی دوجانبه بدست آورد که در آن اصل عمده این ابتکارات برای آینده پاکستان همانا پیوند یا فتن به دهلیز اقتصادی چین و پاکستان است در حالیکه متمم و یا تکمیل کننده ای آن جداسازی و یا از بین بردن ارتباطات با چین است که تنها بر سرمایه گذاریهای دوجانبه تمرکز دارد که بلافاصله در داخل کشور باقی میماند.

برخورد دو طرفه :

توضیح این مطلب برای هر یک از شرکا و یا سهامداران پاکستان که در پاکستان سرمایه گذاری کرده اند عملاً غیر ممکن خواهد بود از اینکه جلو استفاده آنها را از زیرساخت های مرتبط به دهلیز اقتصادی چین و پاکستان بویژه بعد از تکمیل یک سری از پروژه های بزرگ از آنجا یکه آنها از جاده ها عبور میکنند و برق بمصرف میرسانند و یا به داد و ستد در داخل کشور می پردازند گرفت. مطلب قابل تذکر این است که هیچ کشوری انحصار بر زیرساخت خود ندارد و استفاده از آن یک افاده یا اظهار نظر سیاسی نیست بگونه مثال: پاکستان براحتی میتواند نست که با استفاده از مسیر کمربند و یا زیر ساخت های حمل و نقل شمال «دریایی هند» در هند به تجارت یک روزه به آن کشور، به ترکیه آذربایجان و حتی به مناطق کمی دورتر یعنی با روسیه بپردازد- پس پاکستان این منطق غیر سیاسی سازی (Depoliticized) خود را آیا میتواند بر هر یک از شرکای خود که میخواهند در پاکستان از طریق دهلیز اقتصادی چین و پاکستان همکاری میکنند، همکاری های آنها را مهار کرد و این موضوع در کنار خود پریشی را نیز به میان می آورد که آنها چه چیزی را در پروژه های این دهلیز اقتصادی چین و پاکستان سرمایه گذاری کنند و یا چه چیزی را سرمایه گذاری نکنند؟

در نهایت امر ظوابط و معیارها به خود مقامات تصمیم گیرنده پاکستانی مربوط میشود که آنها چه تصمیم میگیرند؟ اما یک رهنمود کلی میتواند این گونه باشد که هر گونه فعالیت اقتصادی در داخل قلمرو کشور که چیزی که به چین میرسد و یا صادر باید شود تولید نمیکند پس میتواند که نمونه کارهای مربوط به پروژه دوجانبه ای از پروژه اقتصادی چین و پاکستان جدا شود که این خود حتی شامل منطقه ای ویژه ای اقتصادی ("special economic zone "SEZ") در بندر گوادر (Gwadar) است که پس از آن میتواند بعنوان املاک و مستغلات ارزشمند برای کشورهای مانند جاپان برای استفاده از ساختمانها و یا مسیرهای برای حمل و نقل، تولید، و یا مونتاژ مجدد کارخانه ها در وسط غربی اروپا و شرق آسیا یا که حتی برای کار افرینان بصفت مسیر بازرگانی دریایی و یا حتی برای ایجاد پایگاهها در کشورهای ایرو آسیا (Eurasian) بغرض تسهیل تجارت با شرکای (سراسری جنوبی) خود در سراسر کشورها به امتداد معبرهای فرعی افریو بنگال (Afro- Bengal) قرار گیرد هنگامیکه از این شرکا دلجوی صورت گیرد در واقع فایده ای برای فکتورچینی است تا از نگرانیهای سیاسی در مقابل هندوستان. با این وجود احتمالاً که این شرکت در نهایت بمثابه مقر و یا پایگاه عملیاتی خود در پاکستان بغرض تجارت و یا دادوستد با چین استفاده خواهد کرد که این خود نشان میدهد که چگونه جمهوری خلق چین در مرکز ثقل تجارتی نمیکرد شرقی بدون مقاومت و امتناع ورزی از انعقاد معامله شرکای اش با داشتن حساسیت های سیاسی با وجودیکه آنها از قبل در زیرساخت های دهلیز اقتصادی چین و پاکستان دکان و یا مغازه باز کرده اند استفاده میکند این شرکا بعداً ممکن بطور واقعی بصورت بالفعل به اشتراک و سهمگیری

شان در این پروژه ویا این شرکت دهلیز اقتصادی چین وپاکستان نقطه ای پایان خواهند گذاشت تا جایکه حتی اگر سرمایه اصلی خود را بعنوان بخشی از این ابتکار بفروش هم برسانند پس در هر صورت آنها هرچه زودتر ضرورت به توضیحات مبرم و روشن دارند تا که آنها در تکا به آن توضیحات مسولیت های خود را در قبال اعتراضات هند زما نیکه آنها با سکوت به این پروژه پیوسته بودند درست تر درک کنند واماده به پاسخ گوی گردند- بهر صورت بعد از همه این جروبحث ها میتوان گفت که هند برای جلب و جذب سرمایه گذاری بین المللی بسیار متمایل وگرسنه ومشتاق است واحتمالاً که هیچ یک از شرکت های خارجی که در پاکستان همین اکنون فعالیت دارند تا زما نیکه بطور آشکار وبه عنوان « کلمه کلیدی» دخیل در دهلیز اقتصادی چین وپاکستان هستند از فعالیت ها خود در پاکستان دست نخواهد کشید ویا به ترک از پاکستان نخواهند پرداخت .

نتیجه ای افکار:

دهلیز اقتصادی **چین** وپاکستان حبل ویا طناب نخاعی از تجارت نیمه مستطیلی در نیم کره شرقی وبویژه تجارت و دادوستد منطقوی در حوزه افریقا - بنگال (Afro-Bengal) با چین است. با اینحال ویا بادر نظر داشت همین اصل هند بر شرکای اصلی خود بخاطر جلوگیری از مشارکت ویا از سرمایه گذاری در این پروژه دهلیز اقتصادی **چین** وپاکستان به دلیل نگرانی های بیشماری توام با مبالغه بر سر کشمیر تحت منازعه بین هند وپاکستان تا کید بعمل می آورد یعنی که هند با پیشکش نمودن دلایل اغراق آمیز از اشتراک شرکای اصلی خود در این پروژه متذکره جلوگیری میکند که با وجود همچو تلاش ها تعدا زیادی از کشورهای کوچک واقع در سراسر حوزه ای جنوب که بیش از این **چین** را بعنوان بزرگترین شریک تجاری خود شمرده اند، از **چین** روی نخواهند گرداند یا داد وستد خود را با چین قطع نخواهند ساخت. اما بهر حال چنین باعث شده است که شرکت های روسی، جاپانی وامریکایی به ارتباط مشارکت شان در این پروژه تا حال دوبار اندیشیده اند یعنی کشورهاییکه بخاطر نینفع شدن خود در موفقیت این پروژه به تغیر موقف خود نیاز ویا ضرورت رami بینند توجه دارند تا از قابلیت دراز مدت پیروزی این پروژه اطمینان حاصل کنند با وجودیکه قدرت های بزرگ اگر علاقه مند به بهره گیری از پتانسیل جیو ایکونومی (Goeconomic) پاکستان نیز باشند از اینکه پاکستان سرنوشت خود را بعنوان مرکز چند قطبی در قرن (21) در اتصال با **چین**، همین دهلیز یا راهرو را برگزیده است.

راه حلی که پاکستان باید تلاش بخرچ دهد این است که بخاطر استراتیژی بازار یابی خود در جهت تاثیر گذاری بر کشورهای تحت نفوذ هند وشرکت ها چنان نقشی را باید بازی کند تا اگر بتواند که فاکتور چین را کاهش دهد و بر جدا بیت اقتصادی مستقل خود

تاکید کند. البته که با استفاده از سرمایه، جاده و انرژی چینی از طریق دهلیز اقتصادی چین و پاکستان- چونکه در پاکستان چیزی مانند «بزرگراه چینی» یا «نیروگاهی چینی» وجود ندارد - حتی اگر کشور چین زیرساخت های را با استفاده از وام های چینی در پاکستان ساخته است به این معنی که خدماتی را که شرکت های خارجی از آن زیرساخت ها استفاده میکنند این زیرساخت ها بگونه رسمی پاکستانی اند و نه چینی - با استفاده از استراتژی بازاریابی دوجانبه که بیش از (200) میلیون پاکستانی را بجلو ارتقا خواهد داد، همین زیرساخت های ارتقا یافته و موقعیت جغرافیایی در امتداد منطقه محصور افرو-بنگال (Afro-Bengal) بعنوان جدا از جدا بیت آن بصفت یک کشور ترازیت به چین، ممکن است سرانجام موفق به فرار از سرمایه گذاری سرمایه داران روسی، جاپانی و حتی شاید از سرمایه گذران امریکایی شود.

----- **با تقدیم سلام ها «2018-08-07»**